

توسط پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی صورت می گیرد؛

برگزاری سه دوره تخصصی در حوزه داده‌های اقیانوسی و هوش مصنوعی در راستای اهداف دهه علوم اقیانوسی سازمان ملل متحد (۲۰۲۱-۲۰۳۰) برای توسعه ظرفیت‌های علمی و حرکت به سوی اقیانوس دیجیتال، پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی باهدف ارتقای مهارت‌های پژوهشگران، اعضای هیأت علمی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و متخصصان حوزه علوم جو و اقیانوس، سه دوره تخصصی و کاربردی را در حوزه داده‌های اقیانوسی، هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های محیطی برگزار می‌کند.

این برنامه‌های آموزشی در راستای اولویت‌های جهانی دهه علوم اقیانوسی، از جمله توسعه سامانه‌های داده‌محور، بهره‌گیری از هوش مصنوعی، استانداردسازی تحلیل داده‌ها و فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم برای شکل‌گیری دوقلوی دیجیتال اقیانوس (Digital Twin of the Ocean) طراحی شده‌اند؛ مهارت‌هایی که امروز در تحلیل داده‌های اقیانوسی، پیش‌بینی پدیده‌های جوی و دریایی، پژوهش‌های اقلیمی و توسعه سامانه‌های هوشمند تصمیم‌یار کاربرد گسترده‌ای یافته‌اند.

نخستین دوره با عنوان «تحلیل، بصری‌سازی و کنترل کیفی داده‌های اقیانوسی با استفاده از نرم‌افزار Ocean Data View (ODV)» از ۱۴ تا ۱۶ شهریور برگزار می‌شود. این دوره با تدریس دکتر ابو الفضل صالح، عضو هیأت علمی پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی، برگزار خواهد شد و شرکت‌کنندگان با مدیریت، کنترل کیفیت (QC)، تحلیل و بصری‌سازی داده‌های اقیانوسی و کاربرد عملی این نرم‌افزار در پروژه‌های تحقیقاتی آشنا خواهند شد.

دومین دوره با عنوان «کاربرد عملی هوش مصنوعی در مدل‌سازی پدیده‌های جوی-اقیانوسی» طی روزهای ۱۷ و ۱۸ شهریور برگزار می‌شود. این دوره که توسط دکتر علیرضا حکیمی، پژوهشگر حوزه هوش مصنوعی و مدل‌سازی داده‌محور، ارائه خواهد شد، به آموزش کاربردهای یادگیری ماشین، یادگیری عمیق، مدل‌های هیبرید فیزیک-هوش مصنوعی، آماده‌سازی داده‌های جوی و اقیانوسی و طراحی ایده‌های پژوهشی قابل تبدیل به طرح، مقاله یا سامانه کاربردی اختصاص دارد.

سومین دوره نیز با عنوان «آشنایی با داده‌های بازتحلیل هواشناسی ERA5 و مفاهیم همگون‌سازی» از ۲۱ تا ۲۳ شهریور با تدریس دکتر سمانه ثابت‌قدم، عضو هیأت علمی مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، برگزار خواهد شد. در این دوره، شرکت‌کنندگان با مفاهیم داده‌های بازتحلیل، روش‌های دسترسی و دانلود داده‌های ERA5، ساختار NetCDF و کاربردهای این داده‌ها در مطالعات هواشناسی، اقلیم‌شناسی و علوم مرتبط آشنا می‌شوند. برگزاری این دوره‌های تخصصی در راستای رویکرد پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی برای توسعه سرمایه‌انسانی متخصص و تقویت توانمندی‌های ملی در حوزه علوم جوی و دریایی انجام می‌شود؛ حوزه‌ای که در سال‌های اخیر با گسترش کاربرد داده‌های بزرگ، هوش مصنوعی و سامانه‌های دیجیتال، به یکی از الزامات توسعه علمی و اجرایی کشور تبدیل شده است.

آموزش تحلیل استاندارد داده‌های اقیانوسی، بهره‌گیری از داده‌های بازتحلیل جهانی و کاربرد هوش مصنوعی در مدل‌سازی جوی-اقیانوسی، زمینه را برای تربیت متخصصانی فراهم می‌کند که بتوانند در پیش‌بینی و پایش مخاطرات جوی و دریایی، مدیریت منابع آب و دریا، پایش محیط‌زیست، توسعه خدمات هواشناسی و اقیانوس‌شناسی و پشتیبانی علمی از سیاست‌های اقتصاد دریامحور نقش آفرینی کنند.

۲۲

آینده اقتصاد ایران، بر سر دو راهی تاریخی قرار دارد: یک راه، تداوم وضعیت کنونی با همه هزینه‌های آن است که نه فقط به فقر اقتصادی، که به فقر امید و فرسایش سرمایه اجتماعی می‌انجامد؛ سرمایه‌ای که به فقر امید و دشوارترین انواع سرمایه برای آگاهانه و شجاعانه از این گردنه تاریخی است

فریدباغ‌زیدی - گروه راهبردی - مرتضی

المللی، تحریم‌ها به عنوان اهرمی برای تغییر رفتار سیاسی کشورها رواج یافته‌اند، اما آمارها و پژوهش‌های موجود روایتی دیگر از این ابزار به ظاهر دقیق را بر ملا می‌سازند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی، در کمتر از یک سوم موارد، به هدف اعلام شده خود، یعنی تغییر قواعد رفتاری کشور هدف، دست یافته‌اند و در کمال تعجب، در بیش از دو سوم موارد، این فشار خاموش، آتش جنگ را شعله‌ور ساخته و یا حتی به دگرگونی بنیادین نظام‌های سیاسی انجامیده است. این آمار هشدار دهنده، پرده از یک حقیقت تلخ برمی‌دارد: تحریم، در قامت یک ابزار دیپلماتیک، اغلب به پیش درآمدی برای فاجعه بزرگ‌تر بدل می‌شود و مسیر تاریخ بشریت را به سوی میز مذاکره، که به سوی میدان نبرد هدایت می‌کند. این واقعیت آماری، زمانی معنای عمیق‌تری می‌یابد که در بستر اقتصاد سیاسی ایران امروز به بررسی آن بنشینیم: کشوری که نزدیک به چهار دهه است که طعم تلخ تحریم‌های گوناگون را چشیده و هر بار، هزینه‌های سنگین آن را بر دوش اقشار مختلف جامعه تحمل کرده است. پرسش اساسی اینجاست که چرا تحریم‌ها، با وجود شکست مکرر در دستیابی به اهداف اعلامی، همچنان به عنوان ابزاری کارآمد در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شوند و پاسخ این پرسش، ما را به لایه‌های پنهان اقتصاد جهانی و منافع متضاد بازیگران مختلف رهنمون می‌سازد.

یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین وجوه این معادله شکستنده، پدیده کاسبان تحریم است. وقتی کشوری در محاصره اقتصادی همه‌جانبه گرفتار می‌آید و مسیرهای مرسوم داد و ستد بین‌المللی، نظیر فروش نفت یا تأمین کالاهای اساسی، بر او بسته می‌شود، خلأیی عظیم در عرصه تجارت خارجی پدیدار می‌گردد. این خلأ، فضایی برای ظهور شبکه‌های پیچیده واسطه‌گری است که با اتکا به رموزگان مالی و حلقه‌های پنهان اقتصادی، امکان دور زدن تحریم‌ها را فراهم می‌آورند. این واسطه‌ها که گاه با نام تراستی‌ها شناخته می‌شوند، در رأس هرم منفعت خواهی از این شرایط قرار می‌گیرند، چراکه بقا و رونق



کسب و کار آنها به تداوم تحریم‌ها گره خورده است. این قشر، نه تنها به دنبال رفع تحریم‌ها نیستند، بلکه با لابی‌گری و حفظ ساختار موجود، به بقای چرخه‌ای دامن می‌زنند که از رهگذر آن به منافع سرشار مالی دست می‌یابند. به عبارتی، تحریم برای اقتصاد ملی، تهدیدی مهلک، اما برای این گروه، فرصتی طلایی است که هراس از دست دادن آن، از هراس جنگ و ناپسانمانی نیز بزرگ‌تر است و این تضادمنافع، یکی از کلیدهای فهم تداوم بحران‌های ایران امروز است. تاریخ اقتصادی ایران، نمونه‌های متعددی از شکل‌گیری چنین شبکه‌هایی را در دوره‌های مختلف تحریم به خاطر دارد؛ شبکه‌هایی که نه تنها در عرصه کالا، که در عرصه ارز و انتقال پول نیز فعالیت گسترده‌ای داشته‌اند و گاه، حجم معاملات آنها به حدی رسیده که عملاً اقتصاد کشور را به مسیری موازی با اقتصاد رسمی هدایت کرده است. این اقتصاد موازی، با تمام کارکردهای تأمین‌کننده‌اش در شرایط اضطراری، در بلندمدت، به ساختاری بیمار گونه تبدیل می‌شود که شفافیت را از بین می‌برد، رقابت سالم را نابود می‌سازد و منابع کشور را به جای هدایت به سوی تولید، به سوی سوداگری و واسطه‌گری صرف سوق می‌دهد.

برای درک عمیق‌تر این چرخه معیوب، ناگزیر باید به تجربه تاریخی بازسازی پس از جنگ ایران و عراق بازگشت. در آن مقطع، که زخم‌های هشت سال نبرد هنوز التیام نیافته بود، عزمی ملی برای سازندگی شکل گرفت. این اراده، منجر به ایجاد یک طبقه متوسط پویا و نسبتاً مرفه گردید که بخش خصوصی مستقل، موتور محرک آن بود

برای درک عمیق‌تر این چرخه معیوب، ناگزیر باید به تجربه تاریخی بازسازی پس از جنگ ایران و عراق بازگشت. در آن مقطع، که زخم‌های هشت سال نبرد هنوز التیام نیافته بود، عزمی ملی برای سازندگی شکل گرفت. این اراده، منجر به ایجاد یک طبقه متوسط پویا و نسبتاً مرفه گردید که بخش خصوصی مستقل، موتور محرک آن بود. این طبقه که ثمره تلاش و رونق اقتصادی پساجنگ بود، به تدریج به بستری برای شکل‌گیری خواسته‌های نوین سیاسی و اجتماعی تبدیل شد. طبقه متوسط، که همواره در تاریخ ایران نقشی محوری در جنبش‌های اصلاح‌طلبانه ایفا کرده است، با بهره‌مندی از رفاه نسبی، به دنبال مشارکت بیشتر، شفافیت، و حقوق مدنی گسترده‌تر برآمد. این خواسته‌ها، که در بستر توسعه اقتصادی و آگاهی اجتماعی جوانه زده بودند، به مرور، به چالشی برای ساختار سست قدرت مبدل شدند و شاید همین ترس از بروز نارضایتی‌های گسترده سیاسی، حاکمیت را در اتخاذ تصمیمات

نمادامید به آینده بهتر بود، به مرور زمان، زیر فشار تورم فزاینده، کاهش ارزش پول ملی، و محدودیت‌های تجاری، توان رقابت و حتی بقای خود را از دست داد و بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط وابسته به این طبقه، یا تعطیل شدند و یا به حاشیه اقتصاد کشور رانده شدند.

امروز، اما تصویر طبقه متوسط در ایران، با آن دوره سازندگی، فاصله عمیق یافته است. فشار فزاینده تحریم‌ها و تداوم التهابات ژئوپلیتیک، فرصت‌های اقتصادی را از این قشر پویا ربوده و آنها را به سوی طبقات پایین‌تر درآمدی سوق داده است. این پروتار یازاسیون با توده‌ای شدن طبقه

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

روایتی از اقتصاد سیاسی ایران

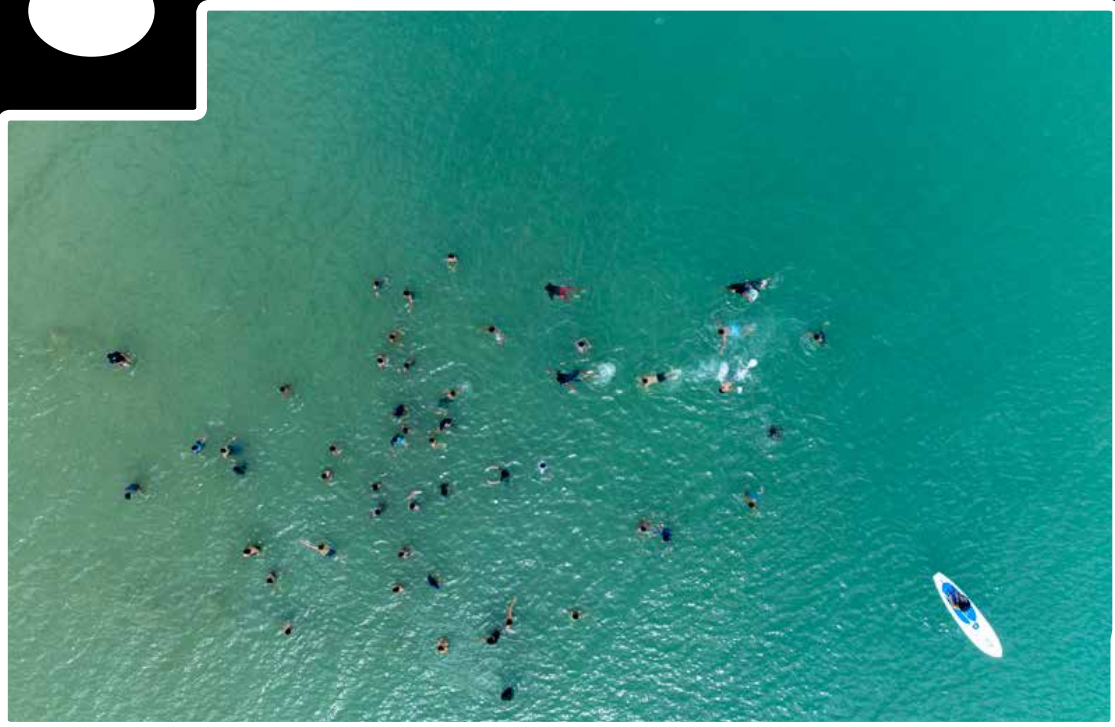
چرخه معیوب: از تحریم تا جنگ

متوسط، نه تنها پایگاه اجتماعی جنبش‌های اصلاح‌طلبانه را تضعیف کرده، بلکه به گسترش گرایش‌های رادیکال و خواهان تغییرات بنیادین در جامعه دامن زده است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که طبقه متوسط شهری، که زمانی در جنبش‌های اصلاحی نقش محوری داشت، با از دست دادن جایگاه اقتصادی خود، دیگر انگیزه‌ای برای مشارکت در تغییرات تدریجی و مسالمت‌آمیز نمی‌یابند و این خلأ، به سود جریان‌هایی تمام می‌شود که نسخه‌ای رادیکال‌تر، و گاه خشونت‌بار، برای آینده کشور ارائه می‌دهند. نگاه جامعه به آینده نیز تحت تأثیر این بسی ثباتی مزمن، کوتاه مدت‌تر و سوداگرانه‌تر شده است. سرمایه‌گذاری بلندمدت و کارآفرینی پایدار، که موتور اصلی رشد اقتصادی هر جامعه‌ای هستند، در سایه تردید و ابهام دائمی، رنگ می‌بازند و اقتصاد، بیش از پیش به سوی فعالیت‌های رانتی و واسطه‌گری سودآور کوتاه‌مدت سوق می‌یابد. در چنین فضایی، نه تنها طبقه متوسط سستی جایگاه خود را از دست می‌دهد، بلکه طبقه جدیدی از کاسبان تحریم ظهور می‌کند که با بهره‌گیری از شکاف‌های نظارتی و نبود شفافیت، ثروت هنگفتی را اندوخته و به بازیگرانی تعیین‌کننده در معادلات قدرت تبدیل می‌شوند. این چرخه، یک بازخورد مثبت منفی ایجاد می‌کند که در آن، تحریم، طبقه متوسط را تضعیف می‌کند، تضعیف طبقه متوسط، اقتصاد را به شکه‌ای غیررسمی وابسته‌تر می‌سازد، و وابستگی اقتصاد به این شبکه‌ها، انگیزه رفع تحریم را برای گسره‌های ذی‌نفع کاهش می‌دهد و بدین سان، اقتصاد کشور در دام تعادل پست خود گرفتار می‌آید که خروج از آن، نیازمند هزینه‌های سیاسی و اقتصادی گزافی است.

تأمل در این چرخه معیوب، انسان را به این پرسش سرنوشت‌ساز می‌رساند که آیا گریزی از این سرایشی هولناک وجود دارد؟ آیا می‌توان از تجربه تلخ تاریخی گذشت و مسیری نوین برای عبور از این بحران مزمن ترسیم کرد؟ پاسخ، در گرو آگاهی جمعی و عزمی فراگیر برای شکستن این زنجیره‌های به هم تنیده است. نخستین گام، شناخت دقیق بازیگران این عرصه و منافع پنهان آنهاست. جامعه ایران، برای رهایی از این وضعیت، نیازمند شفافیت اطلاعاتی و نظارت همگانی بر جریان کالا و ارز است تا بتواند حلقه‌های واسطه‌گری سوداگر را که با تداوم تحریم تغذیه می‌شوند، به حاشیه براند. دومین گام، بازتعریف رابطه اقتصاد ملی با اقتصاد جهان است؛ رابطه‌ای که نه از موضع انفعال، بلکه بر اساس منافع متقابل و قواعد شفاف بین‌المللی طراحی شود تا وابستگی اقتصاد کشور به کانال‌های پنهان و غیررسمی، یک ملت منجر شود.

ژئوپارک جهانی قشم – جزایر ناز در گذر زمان

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریباغ‌زیدی - اقتصاد سرآمد